



پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه سیاسی ایران باستان

فاطمه ذوالفقاریان^{۱*}

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

دیدگاه انسان تأثیر مستقیم بر محیط‌زیست دارد. در دورهٔ مدرن انسان خود را جای خداوند قرار داد و طبیعت را به سلطه کشیده است. نتیجهٔ سلطه بر طبیعت، تجاوز به حریم‌های آن و برهم‌زدن چرخهٔ طبیعت بوده است. در عهد باستان انسان همیشه خود را در داخل هستی تعریف می‌کرد و اعتقاد داشت که نمی‌توان و نباید چرخهٔ طبیعت را برهم ریخت. نحوهٔ تعامل انسان با طبیعت و محیط‌زیست در دوره‌های گوناگون بسیار متغیر و گاه متناقض بوده است. وجود دیدگاه زیست‌محور و پذیرش این اصل که انسان جزئی از طبیعت است و حیات او به حیات محیط پیرامونش بستگی دارد، باعث بروز رفتارهای مبتنی بر احترام به طبیعت و محیط‌زیست شده است. ایرانیان باستان نیز به‌عنوان یکی از اولین تمدن‌های شکل‌گرفته در جهان همواره در مسائل انسانی و زیست‌محیطی پیشرو بوده‌اند. قوانین حاکم در دوران کهن مبتنی بر الگوهای اعتقادی بوده است و سیاست‌های حکمرانی آن دوران با تأسی از پندارهای حفاظت از عناصر محیطی آب‌وخاک، گیاه و حیوان شکل گرفته است. در این مقاله علاوه بر بررسی دیدگاه زیست‌محور در اسطوره‌های به‌جا مانده از ایران باستان و همچنین کاوش در منابع آئین زرتشت و کتاب اوستا، به چگونگی ارتباط سیاست‌های شاهان و حکمرانی با اندیشه‌های زیست‌محیطی پرداخته شده است. نتیجه نشان می‌دهد که ایرانیان باستان با نگرشی زیست‌محور و با استفاده از گزاره‌های مذهبی سعی بر تقدس عناصر چهارگانه و تأکید بر حفظ آن داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: نگرش زیست‌محیطی، ایران باستان، اندیشه سیاسی، سیاست شاهی

۱. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران
f.zolfagharian@mail.um.ac.ir ✉

۱. مقدمه

با آغاز مدرنیته در قرن بیستم و گسترش شهرنشینی عقلانیت خاصی در این دوران شکل گرفت که متکی به بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع طبیعی موجود بود. اصولاً نظام‌های متکی به کنش عقلانی معطوف به مجموعه اهدافی است و برای حصول این اهداف به انواع وسایل و ادوات نیازمند است. بدین ترتیب انسان در عصر مدرن با اتکا به خرد خود به دنبال منفعت بیشتر از طریق تغییر و دستکاری نظام‌های طبیعی بوده است. بازخوردهای حاصل از این دستکاری به رشد جمعیت و در نتیجه نیاز بیشتر به بهره‌برداری از منابع طبیعی منجر شده است و این نوع بهره‌برداری به نوبه خود منجر به بروز برخی بحران‌های زیست‌محیطی از جمله تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی، تهی شدن منابع آب زیرزمینی، کاهش تنوع زیستی و آلودگی‌های آب و خاک و هوا و نهایتاً آلودگی زیست‌محیطی شده است. در حقیقت علم جدید با تقدس‌زدایی از طبیعت راه را برای استثمار و بهره‌کشی از آن باز کرده است (عابدی سروسستانی، ۱۳۹۷، ۹). گرچه پیشرفت‌های حاصل از تفکر مدرن در توانمندسازی و کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی انسان نقش غیرقابل انکاری داشته است، اما این دستاوردها به هزینه‌های زیاد ناشی از نقصان منابع زیستی منجر شده و اگر با در دسترس قرار گرفتن فناوری‌های هوشمند، روال بهره‌برداری از منابع تشدید شود، تبعات آن می‌تواند غیرقابل جبران باشد.

دوران باستان و اسطوره‌ای کشور از زمان حکومت پیشدادیان سابقه‌ای چندین‌هزارساله دارد. اعتقاد بر این است که پس از دوران زمین‌شناسی یخبندان، اولین سکونت‌های انسانی در غرب کشور شکل گرفت و با سکنی‌گزینی، اهلی شدن گیاهان و حیوانات آغاز شد و در حدود ده‌هزارسال پیش ایرانیان کشاورزی را پایه‌گذاری کردند (هول، فلنری و نیلی^۱، ۱۹۶۵، ۱۰۵-۱۰۶). پیش از مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران اقوامی با تمدن‌های متفاوت در این مرزوبوم زندگی می‌کرده‌اند. سرزمین کنونی ایران بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این واحد طبیعی با تنوع اقلیمی و زیستی خود دارای ویژگی‌های بارزی است که حاصل وحدت اقوام مختلف است. بدون تردید تنوع اقوام مختلف یکی از عوامل مهم ثبات و پایداری تمدن این کشور در طی قرون متمادی بوده است.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۳۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

با نگاهی به سیر اندیشه‌های دیرین در گستره این مرزوبوم ملاحظه می‌شود که نیاکان ما با محیط پیرامونی خود در تعامل بسیار مثبت و تنگاتنگی بوده‌اند و عناصر زیست‌محیطی را در قالب اعتقادات ملی و معنوی مورد نظر داشته‌اند. بدون تردید، جمعیت متعادل و متناسب با منابع موجود آن زمان، عدم زیاده‌خواهی در مصرف سرانه معقول، و از همه مهم‌تر، اتکا به اندیشه‌های اعتقادی و اسطوره‌ای و نیز جامع‌نگری در رابطه با محیط‌زیست، همه در چنین تعاملی نقش داشته است. اصولاً قوانین حاکم در دوران کهن مبتنی بر الگوهای اعتقادی بوده است و سیاست‌های حکمرانی آن دوران با تأسی از پندارهای حفاظت از عناصر محیطی آب‌و‌خاک و گیاه و حیوان شکل گرفته است. این قبیل الگوها به شکل بارزی در اندیشه‌های زرتشت نمایان است و اشکال ابتدایی آن را می‌توان در آثار باقیمانده از تقدسی که هنوز در برخی مناطق ایران برای بعضی درختان همیشه سبز، مثل کُنار و سرو، قائل‌اند مشاهده کرد.

از جنبه‌های مکانی و زمانی آنچه در این آب‌و‌خاک تحت عنوان پارس و ایران و در دوره‌های مختلف به‌عنوان اسطوره‌ای یا غیر آن حادث شده است، همگان متکی به اندیشه‌های محیطی بوده است و نقش محیط‌زیست در تکامل اندیشه سیاسی ایران باستان کاملاً بارز است. آنچه مسلم است محدوده سیاسی این مرزوبوم هیچ‌گاه با فراوانی آب همراه نبوده و خشکی و خشکسالی از دیرباز یکی از بارزترین ویژگی‌های ایران بوده است. در همین راستا، ابداع قنات توسط ایرانیان که سابقه چندین هزارساله دارد خود بهترین گواه این مدعا است (کوروس و لباف خانیکی، ۲۰۰۱).

دعای داریوش، پادشاه هخامنشی مبنی بر اینکه «خدایا این کشور را از دشمن، خشکسالی و دروغ محفوظ بدار» نیز دلیل دیگری بر قلت آب به‌خصوص در فلات مرکزی ایران بوده است. تلاش بی‌امان مردم برای مبارزه با کم‌آبی و خشکی مجموعه‌ای از خلق و خوی و رفتارها را به ارمغان آورده است که نشانه بارز آن تحمل و بردباری و قناعت و ریاضت است. این ویژگی‌ها منجر به آموزه‌های سیاسی متناسب با چنین محیطی شده است.

در درازای تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین متأسفانه مهاجم اقوام مختلف آثار و منابع مکتوب قابل استفاده در قیاس با روم و یونان باستان به‌ویژه در دوران باستان ایران نگذاشته است که بتوان





به‌طور خاص به اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در حوزه اندیشه سیاسی متکی به محیط‌زیست پرداخت. معمولاً پژوهندگان تاریخ برای بازیابی چنین اندیشه‌هایی از رهیافت‌های زیر استفاده می‌کنند.

۱. اسطوره‌ها، آئین‌ها و متون دینی؛
 ۲. سنگ‌نبشته‌ها و لوح‌های گلین به زبان‌های بابلی، آشوری، آرامی و پارسی؛
 ۳. نوشته‌های مورخان یونانی، رومی؛
 ۴. آثار مادی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی؛
 ۵. کتاب‌های باقی‌مانده به زبان پهلوی؛
 ۶. نوشته‌های مورخان، جغرافی‌دانان و سرایندگان دوره اسلامی» (پولادی، ۱۳۹۷، ۱۴).
- درعین حال، پژوهش‌هایی که درباره اندیشه سیاسی در ایران باستان صورت گرفته، بسیار نادرند. متفکرانی چون فتح‌الله مجتبابی (مجتبابی، ۱۳۷۳) در کتاب شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، سیدجواد طباطبانی (طباطبانی، ۱۳۸۶) در کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران، فرهنگ رجائی (رجائی، ۱۳۷۲) در کتاب تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، مرتضی ثاقب‌فر (ثاقب‌فر، ۱۳۷۷) در کتاب شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، محمد رضایی‌راد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹) در کتاب مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی و تقی رستم‌وندی (رستم‌وندی، ۱۳۸۸) در کتاب اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی به‌طور خاص بر این موضوع تکیه کرده‌اند. اما آثار فراوانی درباره تاریخ، اسطوره، مذهب، آئین‌ها و ادبیات ایران باستان وجود دارد که به‌ندرت به سیاست هم توجه کرده‌اند. از آنجاکه موضوع سیاست در ایران باستان در دل روایت‌های اسطوره‌ای، تاریخی و الهیاتی نهفته است و جزئی از کلیت دانش آن زمان شمرده می‌شود، متفکران امروزی نیز سیاست را در کلیت معرفت آن روزگار می‌نگرند (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۶، ۲۳).

هدف از این مقاله بررسی جایگاه محیط‌زیست در اندیشه سیاسی ایران باستان است تا بدین ترتیب انگاره‌های زیست‌محیطی پیشینیان در چارچوب سیاست‌های حکمرانی آن عصر و با تاسی از پندارهای موجود در آن زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. آنچه مسلم است و از نوشتارهای آن دوران برمی‌آید نگرش انسان‌های باستان به پدیده‌های زیست‌محیطی به شکلی جامع‌نگر و متکی بر اخلاقیات و اندیشه‌های اعتقادی و ملی بوده است. در آن روزگاران هر فرد خود را جزئی از محیط

پیرامونی، همراه با تمام عناصر فیزیکی و زیستی آن می‌دانسته است؛ به عبارتی دیگر، نوعی دیدگاه زیست‌محور حاکم بوده است که انسان تنها بخشی از آن را تشکیل می‌داده و حاصل فرد از محیط خود، در قیاس با کارکرد او برای محیط‌زیست سنجیده می‌شده است.

۲. پیشینه پژوهش

محیط‌زیست و مشکلات این حوزه در سال‌های اخیر دغدغه بسیاری از اندیشمندان در مقیاس جهانی بوده است. چالش‌های موجود در این زمینه که عمدتاً ناشی از دخالت انسان می‌باشد به اشکال مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و علل آن از ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بررسی شده است. آنچه مسلم است فشار بی‌رویه بر محیط‌زیست اغلب ناشی از عدم توازن بین ظرفیت زیستی و جمعیت انسان است و عدم پایداری انسان به اصول و موازین اخلاقی و عدم رعایت قانونمندی طبیعی از دیگر مواردی است که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فضای زیستی زمین وارد کرده است. بدون تردید گرچه قانون و اخلاق می‌توانند در همه موارد مکمل هم عمل کنند، اما به نظر می‌رسد اخلاق خودجوش بوده و هزاران سال حاکمیت خود را بر بهره‌برداری مطلوب و حفظ محیط‌زیست به اثبات رسانده است. تقویت مبانی اخلاق در گذشته‌های دور و تا امروز به طرق مختلف صورت گرفته است و در این رابطه همه ادیان نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. در این رهگذر، ادیان باستانی و از جمله دین زرتشت برای حفظ محیط‌زیست هم از ابعاد فلسفی و هم از جنبه کاربردی رهیافت‌های مبتنی بر عبادت ارائه کرده است به نحوی که برای حفظ آب‌و‌خاک و سایر عناصر زیست‌محیطی پاداش اخروی در نظر گرفته است و بخشی از کردار، پندار و رفتار نیک به این امر مهم ارتباط داده شده است.

در زمینه محیط‌زیست باستانی ایران مطالعاتی عمدتاً در همین راستا توسط پژوهشگران صورت گرفته است. رضایی‌راد (۱۳۸۷) در کتاب خود با عنوان مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی اظهار داشته است که در اغلب حکومت‌های ایران باستان پاسداری و نگهداری از طبیعت، آب، خاک و گیاهان، حتی عناصر بی‌جان مانند فلزات، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته است. او با اشاره به اینکه در ایران باستان عقیده بر این بوده است که آب، خاک، آتش، زمین، آسمان، ماه و هر یک از عناصر طبیعت به وسیله ایزدی خاص سرپرستی می‌شود و هر ایزد تجلی نوری است که سامان‌بخشی و پرستاری





آفریده مربوط به خود را به عهده دارد. او نتیجه می‌گیرد که یکی از نشانه‌های مهم پیشرفت فرهنگ اجتماعی هر کشور، پاسداشت محیط‌زیست است و در نتیجه، رفتارهای فرهنگی آن زمان در رابطه با محیط‌زیست را یکی از عوامل مهم در سابقه درخشان تاریخی این مرزوبوم تلقی کرده است. تقی‌زاده (۱۳۸۲) در بحث جهان‌بینی و حفاظت از محیط‌زیست، محقق داماد (۱۳۹۷) در مبحث الهیات محیط‌زیست، ابراهیم‌نیا (۱۳۸۳) در مورد آئین زرتشت و نقش محیط‌زیست بر ارتباط معنوی بین اخلاق زیست‌محیطی و آئین‌های مذهبی، به‌خصوص آئین زرتشت، تأکید کرده‌اند.

ابراهیم‌نیا (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «اهمیت محیط زیست در ایران باستان» با رجوع به منابع زرتشت چون گات‌ها و سروده‌ها، این آئین را دینی می‌داند که برای عناصر طبیعی احترام خاصی قائل است و آلوده کردن این عناصر را گناه می‌داند. او ارتباط ادیان ایرانی پیش از زرتشت مانند آئین مهرپرستی (میترائیسم) را نیز با محیط‌زیست که در آن برای هر یک از عناصر طبیعت ایزدی جهت‌نگهبانی آن قائل بوده‌اند را مرتبط با عقاید مذهبی آنان می‌داند. مهران غیبی (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان «مبانی فلسفی حفاظت از محیط زیست در ایران باستان» در بررسی منابع دینی مرتبط با نگهداری از محیط‌زیست، به گات‌ها در دو بعد مادی (گیتی) و غیرمادی (مینوی) می‌نگرد. در همین راستا در گات‌ها بیان شده است که جهان - که همه ابعاد محیط‌زیست را در بردارد - به‌وسیله اهورامزدا، که یگانه هستی‌بخش بزرگ و داناست و استوار بر هنجاری به نام اشا است، آفریده شده است (مالاندرا، ۱۹۸۳).

بدون تردید محیط‌زیست همه اجزای پیرامونی انسان، از جمله محیط کشت و زرع، را نیز در بردارد. فعالیت‌های کشاورزی در دوران باستان جزء جدایی‌ناپذیری از دین بوده است و در حقیقت بخش قابل توجهی از دستورات زرتشت به کشاورزی و تولیدات غذایی اختصاص دارد. جوانشیر (۱۳۷۸) در مقاله خود با عنوان «تاریخ علوم منابع طبیعی ایران»، اهمیت مرتع و چراگاه برای دام در آن دوران را ذکر کرده است. ابریشمی کاشت برخی گیاهان به روایت هردوت در شرق ایران و نیز ساختارهای زیربنایی برای تولیدات کشاورزی از جمله سدسازی و کانال‌کشی برای آبیاری محصولات مختلف و همچنین بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی با حفر قنات در ادوار مختلف تاریخ باستانی ایران را ذکر کرده است.

اما آنچه این نوشته را متمایز می‌کند، بررسی اندیشه‌های زیست‌محیطی از سه دیدگاه متفاوت است. نخست، از منظر اسطوره‌ها که به‌عنوان اولین دستگاه دانایی و کهن‌الگوهای جمعی از خرد ایرانی شناخته می‌شوند و مفاهیم اجتماعی و سیاسی بسیار عمیقی دارند؛ دوم، با نگاهی به آئین زرتشت به‌عنوان نخستین دین رسمی ایرانیان باستان که زرتشت را مروج آبادانی، صلح و مدنیت می‌دانند و اغلب مورخان از او به نیکی یاد کرده‌اند؛ و سوم، از دیدگاه سیاست‌ها و کنش‌مندی شاهان ایران باستان که چگونه سیاست‌هایی اتخاذ کرده‌اند که در راستای حفظ منابع زیستی و جلوگیری از آسیب به محیط زیست گام برداشته‌اند.

۳. چارچوب نظری

یکی از کیفی‌ترین و درعین‌حال عمیق‌ترین روش‌ها برای تحلیل اندیشه سیاسی در هر دوره‌ای، پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی روشی کیفی است که به دنبال کشف تبلور پدیدارها، سازه‌ها و هویت‌های فرهنگی است که در هر دوره‌ای شکل می‌گیرد. این روش توسط مارتین هایدگر و ادموند هوسرل پایه‌گذاری شد و پژوهش‌های آنان در نقد روش پوزیتیویسم و پارادایم‌های کشف حقیقت به زبان مکانیک، ریاضیات مدرن و فرمول‌های علوم طبیعی باعث شد پدیدارشناسی مورد اجماع محققان قرار گیرد.

حیطه کار روش پدیدارشناسی بررسی و نقد اندیشمندان و مکاتب دوره مدرن و پسامدرن به همراه نقد شدید بر تکنولوژی، صنعت، اطلاعات، علم و هر مسئله‌ای است که در دوره جدید به نام عقلانیت غرب در حال مطرح شدن است. روش پدیدارشناسی از آنجاکه بر نقد عقلانیت دنیای مدرن پافشاری می‌کند، گرایش‌های محیط‌زیست و صلح‌طلب، آن را رویکردی درونی و خودی به حساب می‌آورند.

پدیدارشناسی در ابتدا به لحاظ متنی در دهه سی و چهل قرن بیستم توسط ادموند هوسرل^۱ در فضای سرخوردگی از عقل غربی شکل گرفت. ادموند هوسرل به نقد سوژه‌محوری مدرنیته، که توسط دکارت^۲ آغاز شده بود، پرداخت و اظهار داشت: «شکاکیت دکارت برای عبور از سنت

1. Edmund Husserl
2. Rene Descartes





متصلب قرون وسطی نقطه بسیار خوبی بود اما در ادامه خطایی توهمی را شکل داد» (هوسرل، ۱۳۸۱، ۷۸). وی نشان داد که با تسلیم شدن عقلانیت به علم به همراه قصدیت ریاضی کردن جهان طبیعی و انسانی، بلایای جنگ، مریضی، خشونت و ناآرامی افزایش پیدا کرد. او در فضای آکادمیک به نقد عقل مدرن و علمی پرداخت و تمام تلاشش این بود که با پوخه و تعلیق کردن علم و تکنولوژی و باز کردن جای فلسفه، بحران در عقلانیت غرب را نشان دهد (رشیدیان، ۱۳۸۸، ۱۶۹).

بر طبق نظر هایدگر^۱، یکی دیگر از پدیدارشناسان معروف، انسان، موجود پرتاپ‌شده در هستی است و هر کنشی از سوی انسان به طبیعت و خود انسان، دارای عکس‌العمل‌هایی است که نباید نادیده گرفته شود. تمام درختان، اشیا و موجودات هستی دارای شعور هستند و زمین، آسمان و تمام هستی حق زیستن دارند و انسان باید دانشی تولید کند که با همدلی و عشق نگهبان و شبان هستی باشد (جمادی، ۱۳۸۵، ۶۴۷).

در روش پدیدارشناسی شکل‌های مختلف اندیشه بروز پیدا می‌کند و کار پدیدارشناس شناخت پس‌زمینه‌های هویتی، زبانی و سازه‌ای است که نشانه‌ها و نمادهای مختلف را به پس‌زمینه‌های فرهنگی ارتباط می‌دهند و بر این اعتقادند که رفتارهای انسان دارای معانی هستند که این معانی در طول تاریخ به صورت جهان‌زیست‌های بدیهی انگاشته‌شده در سنت به ارث رسیده است (اسلامی، ۱۳۸۵، ۶۴۷). همه متون در قصدیت‌هایی فرورفته‌اند که این قصدیت‌ها با توجه به رویه‌های جبری زبان و اجبارهای عرفی و فرهنگی قابل تفسیر است.

در نتیجه، روش پدیدارشناسی در تحلیل سیاسی، همدلی زیادی با موضوعاتی دارد که صبغه زیست‌محیطی دارند و در پی نقد غرب صنعتی و پسا‌صنعتی هستند. البته این روش نیز ظاهر تحقیق را به عهده خود پژوهشگر می‌گذارد اما به لحاظ معرفت‌شناسی و رویکرد نقادانه فرضیه‌های جالبی را به متفکران سیاسی نقاد غرب پیشنهاد می‌کند.

زندگی ایرانی نیز از دوران باستان تاکنون با محیط‌زیست پیوند خورده است و از زمان حکومت پیشدادیان تاکنون سابقه‌ای چندین هزارساله دارد. ایرانیان مردمی یکجانشین و تولیدگر بودند که اولین سکونت‌های آنان در غرب کشور شکل گرفت و با سکنی‌گزینی، اهلی شدن گیاهان و

1. Martin Heidegger

حیوانات آغاز شد. در حدود ده هزار سال پیش ایرانیان کشاورزی را پایه‌گذاری کردند. سرزمین کنونی ایران بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این واحد طبیعی با تنوع اقلیمی و زیستی خود دارای ویژگی‌های بارزی است که احترام به محیط‌زیست بر اساس اساطیر و دین آنان از مهم‌ترین آن‌هاست.

روش پدیداری با رویکردی همدلانه نسبت به محیط‌زیست مناسب‌ترین گزینه برای بررسی پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه ایران باستان است. زیرا محیط‌زیست هیچ‌گاه از تأثیر منفی دنیای صنعتی و مدرن در امان نبوده است و انسان مدرن با محوریت خود و عقل خودبنیادش در راستای استفاده هر چه بیشتر از محیط‌زیست گام برداشته است. این روش با بررسی تداومی اندیشه زیست‌محیطی ایرانیان باستان، نقش اساطیر، دین زرتشت و زیست ایرانیان در راستای احترام به محیط‌زیست می‌داند و کارکرد این اندیشه در سال‌های نخستین یکجانشینی ایرانیان را مهم و کلیدی ارزیابی می‌کند.

۴. پدیدار زیست محیطی در اساطیر ایران

اسطوره‌ها، اولین دستگاه دانایی و کهن‌الگوهای جمعی از خرد ایرانی را متبلور می‌سازند که مفاهیم اجتماعی و سیاسی بسیار عمیقی دارند. در اساطیر ایرانی است که روایتی از شیوه زیست جمعی و سیاسی ایرانیان به همراه هنجارها و سبک زندگی ایشان را از سپیده‌دم تاریخ ترسیم کرده است. در این اساطیر غایات حکومت نیز به‌وضوح مورد اشاره قرار گرفته است (بهار، ۱۳۷۵، ۳۵۰-۳۶۳). ارائه تعریف کاملی از اسطوره‌۷ که دربرگیرنده همه مفاهیم آن باشد، کار آسانی نیست. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره یعنی آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه افسانه‌ای محض داشته باشد؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آئین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستگی دارد.

وجود اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس از حوادث غیر مترقبه است. ویژگی عمده اساطیر ایران ثنویت است. این موضوع در تاریخ دوازده‌هزارساله اساطیری ایران به‌خوبی نمایان است (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۳). دوگانه‌های خیر و شر، به بیان جان هینلز، غایت زندگی جمعی و حکمرانی را مشخص می‌کند. این دوگانه‌ها





چندان پراکنده نبودند بلکه در متن خود شیوه‌های زیست ایرانیان را ثبت کرده‌اند (هینلز^۱، ۱۳۸۴، ۶۹-۶۷). دوگانه‌ها در ابتدا به صورت خدایان و دیوهای بودند که حیات مستقل داشتند. هانری کربن معتقد است که در تعارض این دوگانه و با اولویت یافتن کردار، گفتار و پندار نیک و خردمندانه تنها خدایان خیر باقی ماندند و دوازده مورد از آن‌ها چنان تداوم و ثباتی یافتند که تا امروز همچنان پابرجا و استوار مانده‌اند و هم‌اکنون به‌عنوان ماه‌های سال شمسی مورد شناخت همگان هستند. فهم غایت حکمرانی در ایران مستلزم رجوع به این دوازده نیروی است که وجوه مختلف زندگی ایرانیان را نظم داده است (کربن^۲، ۱۳۹۱، ۱۸۸-۱۸۱).

در اسطوره‌های ایرانی، زمین و طبیعت جایگاه ویژه‌ای دارند. پدیده‌های انسانی و طبیعی وابسته به زمین، برای ایرانیان معنای خاص خود را داشت. زندگی جمعی واحدهای سیاسی منظم و تمدن‌های آباد موجب شده بود که ایرانیان برای عوامل طبیعی قدرت متافیزیکی قائل باشند. اسطوره‌های ایرانی در ابتدا مظاهر زندگی کشاورزی را ستایش می‌کردند. مثلاً آب‌وآتش برای ایرانیان تقدس داشت و برکت و فراوانی را به زندگی‌شان ارزانی می‌داشت. ایرانیان همانند همه اقوام و جماعت‌های بشری به خدایان و اسطوره‌های متعدد باور داشتند و هر پدیده را به خدای آن ربط می‌دادند. مثلاً خدای آب‌ها مسئول بارندگی و زایش طبیعت به شمار می‌رفت. در مقابل دیو خشکسالی مسئول بدبختی و آوارگی ایرانیان بود (ویدن گرن^۳، ۱۳۷۷، ۸۶). آتش، خورشید، آب، باد و هر آنچه در طبیعت به صورت نسبی برای ایرانیان رفاه و آسایش ایجاد می‌کرد، اسطوره و خدایی قابل ستایش محسوب می‌شد. به این ترتیب، ایرانیان با جهان آباد و سرخوش در دوران باستان رابطه بسیار نزدیک داشتند. اسطوره‌ها مجموعه‌ای از گزاره‌های خرافاتی و ناکارآمد نبودند بلکه جهان‌زیست فکری ایرانیان را شکل می‌دادند و به کنش‌های اجتماعی، ماهیت حکومت و مفهوم دوست و دشمن معنا می‌دادند.

زاینده‌گی و آبادانی محور بودن اسطوره‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. اغلب قومیت‌ها و جماعت‌هایی که زیست خود را بر اساس جنگ و زور فیزیکی قرار می‌دهند، شهر، آبادانی و ایجاد تمدن در اندیشه آن‌ها جایگاه مهمی ندارد. ابن خلدون متفکر بزرگ اسلامی معتقد

1. John Hinnells
2. Henry Corbin
3. Geo widengren

است که شهرنشین شدن قبایل به کاهش عصبیت آن‌ها می‌انجامد. ساکنان اقلیم‌های متفاوت فلات ایران از دیرباز علاقه خاصی به آبادانی و شهرنشینی داشته‌اند به نحوی که ایرانیان همواره به داشتن هنرهای شهرنشینی و تمدن شهره بوده‌اند.

در ایران باستان، روستانشینان صبور و آرامی بودند که تولید کشاورزی را بر عهده داشتند. اسطوره‌ها در میان جماعت دهقان نفوذ بیشتری داشت به نحوی که اعتقاد به خدای آناهیتا به معنای تقدس باروری، باران و زایش در میان آن‌ها فراوان بود و از آنجاکه جمعیت اصلی تولیدکننده در فلات ایران را تشکیل می‌دادند، دشمن فقر، خشکسالی و جنگ بوده‌اند.

اصلی‌ترین منبع شناخت غایت سیاست در دوره هخامنشی رجوع به اسطوره‌ها به‌ویژه امشاسپندان و ایزدانی است که هنوز هم در زندگی روزمره ایرانیان حضور دارند. این امشاسپندان و ایزدان چنان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که انسان را در خود منحل نمی‌کنند و کمتر امکان شرآفرینی و خلق فلسفه جبرگرایانه را امکان‌پذیر می‌نمایند. ترتیب آن‌ها بر اساس ترتیب فصل‌ها و آمدو شد واقعی روزها است.

به‌ویژه فلسفه وجودی امشاسپندان حاکم کردن نظم، آئین، عقاید و فرهنگی متناسب با هم‌نوایی با هستی است به نحوی که ذهن و عین کاملاً منطبق با یکدیگر در اجتماعات ایرانی ایجاد نمایند. در بسیاری از تمدن‌ها عین و ذهن و آئین‌های مکانی و زمانی با یکدیگر تطابق پیدا نمی‌کنند و به مدت کوتاهی از میان می‌روند، اما ایرانیان چنان فلسفه قدرتمندی در گذشته فکری و اسطوره‌ای‌شان دارند که هنوز هم به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه در زندگی‌شان جریان دارد و هرکجا خبری از جشن و سازندگی و اخلاق نیک باشد آن‌ها حضور دارند (بهار، ۱۳۸۸، ۱۷۳).

از بین امشاسپندانی که اورمزد نخست به آفریدن آن‌ها همت گماشته است، بسیاری در ارتباط مستقیم با محیط‌زیست قرار دارند. اسپندارمد یا اسفندارمد که به معنی اخلاص و بردباری مقدس است، نمادی زنانه و دختر اورمزد به شمار می‌آید. او ایزد بانوی زمین است و به چهارپایان چراگاه می‌بخشد. زمانی که پارسایان در روی زمین که نماد این جهانی اوست، به کشت و کار و پرورش چهارپایان می‌پردازند یا هنگامی که فرزند پارسایی زاده می‌شود، او شادمان می‌گردد و وقتی مردان و زنان بد و دزدان بر روی زمین راه می‌روند، آزرده می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۷).

دیگر امشاسپندی که شادابی گیاهان مظهر اوست، خرداد است که به معنی تمامیت، کلیت و کمال است و مظهري از مفهوم نجات برای افراد بشر است و به‌عنوان حامی آب شناخته می‌شود.





مردم در ایران باستان به احترام امشاسپند اسفند زباله روی خاک نمی‌ریختند و پابره‌نه راه نمی‌رفتند و این کار را بسیار زشت می‌شمردند. چون پای برهنه که آسیب ببیند، خون جاری شده و در پی آن زمین آلوده می‌گردد (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۱۸).

امرداد نیز که به معنی بی‌مرگی است، تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی به شمار می‌آید. او گیاهان را برویاند و رمه گوسفندان را بیفزاید. او می‌کوشد که گیاهان پژمرده نشوند. همکاران او ایزدان رشن و اشتاد و زامیاد هستند (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۹).

از ایزدانی که در دوران اساطیر به‌عنوان نگهبان و حافظ عناصر محیط‌زیست شناخته می‌شوند، اپام نپات یا برز ایزد، ایزد آب‌هاست. نام اپام نپات در اوستا به معنای فرزند آب‌هاست. او مسئولیت پخش آب در سراسر سرزمین را به عهده دارد. تیشتر نیز خدایی است که با باران ارتباط دارد و از این رو، اصل همه آب‌ها سرچشمه باران و باروری است. در تیشتریشث اوستا، نبرد این ایزد با دیو اپوش که دیو خشکسالی و خشکی است روایت شده است (آموزگار، ۱۳۸۵، ۲۴).

تمام این روایت‌ها از اسطوره‌هایی که در ایران باستان رواج داشته است و پس از آن در دوره‌های دیگر ادامه یافته است، نشان‌دهنده تقدس مظاهر چهارگانه آب، خاک، آتش و زمین است که هر یک از عناصر طبیعت به‌وسیله ایزد خاصی سرپرستی می‌شود. هر ایزد نوری است که سامان‌بخشی و پرستاری آفریده مربوط به خود را سرپرستی می‌کند.

اساطیر ایران باستان نشان می‌دهد ایرانیان نخستین اقوام یکجانشین بوده‌اند که از کشاورزی به‌عنوان منبع درآمد خود استفاده می‌کردند و این مهم باعث شده است به اسطوره‌ها به‌عنوان منبعی برای باور دینی و اجتماعی خود رجوع کنند. به‌خوبی مشخص است که انگاره‌های زیست‌محیطی در منابع اسطوره‌ای نمایان شده است و اسطوره‌ها از ایزدان به‌عنوان نگهبان و حافظ محیط‌زیست نام برده‌اند.



شکل ۱. ارتباط زیست یکجانشین و حفظ محیط‌زیست

۵. پدیدار زیست محیطی در اندیشه زرتشت

زرتشت تجمع اساطیر است و زمانی که ایران از ملوک الطوائفی پراکنده خارج و به لحاظ سیاسی متمرکز می‌گردد، در سطح فکری نیز دین زرتشت رسالت جمع و معنابخشی اساطیر را انجام می‌دهد.

اهمیت دادن به طبیعت و حفاظت از آن در اکثریت ادیان، مکاتب فکری، جوامع و تمدن‌ها از دیرباز به نحو بارز و روشنی هم در قلمرو فیزیکی و مادی و هم در وجه معنوی و کیفی مطرح بوده است (الیاده^۱، ۱۹۵۹، ۱۴۹). در آئین زرتشت که دین رسمی ایرانیان باستان بوده است، بر اندیشه‌های زیست محیطی تأکید بسیار شده است. زرتشت پیامبر باستانی ایرانیان صاحب کتاب اوستا و آوردنده دین زرتشتی در آذربایجان یا سیستان، غرب یا شرق ایران در شش تا دوازده هزار سال قبل از میلاد مسیح به دنیا می‌آید. در اوستا درباره زاده شدن زرتشت، شادمانی آب، گیاهان و جانوران از این مولود چنین آمده است:

«به گاه زایش و نشو و نمایش، آب‌ها و گیاهان شادمان شدند. به گاه نشو و نمایش آب‌ها و گیاهان بالیدند، به گاه زایش و نشو و نمای او همه آفریدگان سپنتامینو به خود مژده رستگاری دادند. خوشا به ما که آذربانی زاده شد» (یشت‌ها، کرده ۲۴، بند ۹۳).

مجموعه تعالیم او در اوستا، زند، دینکرد، بندهشن و... در طول قرن‌های بعد جمع‌آوری شد. برخی از اصلی‌ترین گفته‌هایش در گاتاها، یسنه‌ها و یشتها، که امروز بخش‌های به‌جای مانده از اوستا است، به دست ما رسیده است. زرتشت مروج آبادانی، صلح و مدنیت است و اغلب مورخان از او به نیکی یاد کرده‌اند. تعالیم او ترکیبی از لطافت شاعرانه و عمق فلسفی است.

در آئین مزدیسنا کلیه عناصر اربعه که آتش، آب، هوا و خاک باشد، مقدس است و اغلب در اوستا از آنها سخن رفته است. برخی از آنها نیز در اوستا دارای یشت مخصوصی است. در میان این عناصر آتش مقدس‌تر است و آذر ایزد موکل آن است. هرچند که از برای این فرشته یشت مخصوصی نداریم اما در سراسر کتاب مقدس و کتب مذهبی پهلوی از علو مقام او سخن رفته است. عنصر دیگر که هوا است دارای یشت مخصوصی است.

1. Eliadeh



پانزدهمین یشت از آن فرشته هواست هر چند که این یشت به رام یشت نامزد است اما در هیچ جای آن صحبت از ایزد رام نیست. در سراسر آن از فرشته هوا صحبت شده است. این فرشته را در اوستا وایو و در پهلوی اندروای گویند. خاک یا زمین تحت حمایت چهارمین امشاسبند سپندار مذ است. از برای آن نیز یشت مخصوصی نداریم اما در طی مقاله امشاسبندان به طور مفصل از آن صحبت داشتیم.

آب که موضوع مقاله حاضر است بعد از آتش مقدس ترین عنصر است. در ایران قدیم چنانچه خواهید دید ستایش فرشته آن موسوم به ناهید در کلیه ایران زمین و ممالک همسایه رونق تمام داشته است. در اوستا و کتب پهلوی به طور مکرر و مفصل از او صحبت شده است. در اوستا از یک فرشته دیگر که نیز مستحفظ آب است یاد شده است. این فرشته موسوم است به اپم نیات. در وید برهمنان نیز چنین آمده است و از آن یک فرشته مذکر اراده شده است (پورداد، ۱۳۷۷، ۱۵۹-۱۵۸).

«در ایران باستان آب مقدس به شمار می رفته و به عقیده زرتشتیان، پس از آتش، مقدس ترین عنصر است. آب دومین آفریده از آفریدگان هفت گانه ای است که اورمزد خلق کرده (بندهش، فصل اول، بند ۵۴، فصل اول، الف، بن ۴ و ۷) و آفرینش آن پس از آسمان و در مدت ۵۰ روز (از روز چهل و ششم پس از اعتدال بهاری) انجام گرفته است که در پایان آن ۵ روز گاهنبار دوم قرار دارد (بندهش، فصل اول، بند ۱۷). در همه جا، در زیرزمین آب قرار دارد (بندهش، فصل اول، بند ۱۷، فصل اول الف، بند ۱۰). نگاهبانی آبها بر عهده خرداد امشاسپند است (بندهش، فصل سوم، بند ۱۸). بنابر عقیده ای، همه خلقت در اصل به صورت قطره آبی بود و بنابر نظر دیگری، اصل همه آفریدگان از آب بود به جز تخمه مردمان و چارپایان مفید که از آتش است (بندهش، فصل اول الف، بند ۳). نظر به تقدسی که برای آب قائل بودند، آلوده کردن آن را با پلیدی ها گناه به شمار می آوردند (پورداد، یشتها، ۱۶۱-۱۵۹/۱) به ویژه آلوده ساختن آن با مردار از گناهان بزرگ به شمار آمده است (صد در نثر، فصل ۷۲، ص ۵۱؛ تاوادیا، شایست و ناشایست، فصل ۲، بندهای ۷۶ تا ۹۴). در مورد مراقبت از آب دستورهای دینی دقیقی هست (صد در بندهش، فصل ۷۸، ص ۱۴۸). آب در آئین های دینی زرتشتیان از عناصر لازم به شمار می رود» (آموزگار، ۱۳۹۸، ۲۵۲).



زرتشت و دین مزدایی خرد یکجانشینی دارد که مخالف قربانی و کشتار بی‌رویه جانوران است و مردم را ترغیب می‌کند تا در زمین‌های بایر به کشت، کشاورزی و باغداری بپردازند. «باید برای آبادانی جهان کوشید و آن را به‌درستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد» (یسنه، هات ۴۸، بند ۵). این دین حتی مخالفت با قربانی و کشتن حیوانات بود به‌نحوی که قربانی کردن را دور از خرد و ناروا دانسته و به آنها گفت خدا به قربانی‌های شما نیازی ندارد. به جای کشتار جانوران از آنان در کشاورزی و آباد کردن زمین‌های بایر بهره‌گیری و به جای هر قربانی درخت بکارید (رضایی‌راد، ۲۰، ۱۳۸۷).

یکجانشینی و تمدن آبادانی به‌عنوان راهنمای بهروزی در صورتی ایجاد می‌شود که اخلاقی، زمینی و عقلانی ایجاد گردد. زرتشت طرفدار آب، زمین، گیاه، آبادانی، روستا، گیاه، دامداری، برزگری و نظم است، به‌گونه‌ای که از قتل، جنگ، خشونت، غنیمت‌خواهی و راهزنی که میراث قبایل است دوری می‌گزیند. زرتشت دینی مدنی و یکجانشین را ترویج می‌کند و سروده‌های گاهان او در اوستا روح صلح، مدارا، ایران دوستی و ستایش خرد را به همراه دارد.

«من دزدی و غارت گله را منکرم و صدمه‌زدن و خراب‌کردن خانه مزدیستان را. به آن‌هایی که شایسته‌اند به خواست خود راحتی و خانه می‌بخشم، آن‌هایی که با گله‌هایشان بر روی این زمین زندگی می‌کنند. با احترام به اشته و با نثارهایی که کرده‌ام اقرار می‌کنم که از این پس برای محافظت از زندگی با اعضايم به خانه مزدیستان زیان و صدمه وارد نخواهم کرد. سوگند می‌خورم که همراهی دیوان شریر را ترک خواهم کرد و پیروان دیوها را تنها خواهم گذاشت» (یسنه، ۱۳۸۸، ۹۵)

«خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهانم، خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها و آبشخورهایم، خواستار ستایش اهوره مزدا، دارنده این روستاهایم» (یسنه، هات ۲، بند ۱۶).

اقوامی که از جنگ و وحشی‌گری به تنگ آمده‌اند، به پیام آبادانی و صلح زرتشت پاسخ مثبت دادند. خرد مزدایی، به‌خصوص در ابتدای پیدایش، که نمودهای آن در گاهان به چشم می‌خورد، بسیار عقلانی و جهان‌وطنی است. واژگان برای ایجاد نظم‌ی مدنی به





صورت شعر در گاهان سروده شده‌اند. هیچ نشانی از نخوت، تکبر، جنگ، خشونت و زورگویی در متن دیده نمی‌شود. در گاهان آمده است: «شهریاری و بزرگواری و آفرینش زیبایی او را می‌ستاییم که گیتی و اشته را بیافرید، آب‌ها و گیاهان نیک را بیافرید، روشنایی و زمین و همه چیزهای نیک را بیافرید» (یسنه، ۸-۳، هات ۵، بند ۱).

اهورامزدا خدای بزرگ و دانای زرتشتیان است که زرتشت را به پیامبری انتخاب کرد تا صلح و آبادانی را برای مردم فلات ایران به ارمغان آورد. هینلز می‌نویسد: اهورامزدا به معنی سرور دانا نامی است که زرتشتیان به خدا داده‌اند و ویژگی اصلی او خرد است (هینلز، ۱۳۸۴، ۶۹). اهورا تاباننده نور، منبع اشته، دهنده فره‌مندی است که در رأس همه امشاسبندان قرار می‌گیرد.

گات‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین گفته‌های اهورامزدا، به محیط زیست با مفهومی بسیار گسترده‌تر در دو بعد مادی (گیتوی) و غیرمادی (مینوی) می‌پردازد. جهان که همه ابعاد محیط زیست را در بردارد، به وسیله اهورامزدا (یگانه هستی‌بخش بزرگ و دانا) استوار بر هنجاری به نام اشا آفریده شده است. در گات‌ها امشاسبندان نیروهایی از اهورامزدا هستند که در چهره‌های گوناگون آشکار می‌شوند.

امشا به معنی بی‌مرگ و سپند نیز به معنی تقدس، پاک و سودرسان است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۷۷). امشاسبندان توسط زرتشت نظم پیدا کردند و اهورامزدا در رأس آن‌ها قرار گرفت. زرتشت به‌گونه‌ای حرکت از اسطوره به مذهب و گونه‌ای تکامل عقلانیت محسوب می‌شود. در گاهان آمده است: «خواستار ستایش آنان هستم که پیش از این در این خانمان‌ها، روستاها، شهرها و کشورها بودند: آنان که آسمان را نگاهداری کردند، آب را نگاهداری کردند، زمین را نگاهداری کردند، جانور را نگاهداری کردند، کودک را در زهدان مادر نگاهداری کردند تا نمیرد» (یسنه، هات ۲۳، بند ۱). در اوستا پاسداری و نگهبانی از جانوران سودمند به‌ویژه آنان که در پیوند با دامداری و کشاورزی هستند نیز بسیار مهم نشان داده شده است.

جشن‌های که در دین زرتشت در طول سال برگزار می‌شده است نیز ستایش گیاهان، ارزش و اهمیت درختان را بیشتر می‌کند و سطح آگاهی جامعه را نسبت به سودمندی

درختان و گیاهان بالا می‌برد. جشن‌های ایرانی همه در راستای ستایش گیاهان، آب، آسمان، زمین و جانوران است. جشن‌های شش‌گانه گهنبار یکی از جشن‌های بزرگ بوده که در ستایش و سپاس پروردگار از آفرینش آب، آسمان، زمین، آتش، گیاه و چارپایان و انسان بوده است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۴۴). در دست داشتن گیاهی به نام برسم^۱ که زرتشتیان در هنگام ستایش گیاهان استفاده می‌کنند، به خاطر سپاسگزاری از گیاهان و چارپایانی که به آنان داده است.

بدین‌گونه زرتشت به‌عنوان دینی برای جهانیان (نه فقط انسان) شناخته می‌شود که با اهمیت‌دادن به انگاره‌های زیست‌محیطی و مقدس شمردن عناصر چهارگانه، دیدگاه زیست‌محور نسبت به طبیعت را تقویت می‌کند. در این نظام اعتقادی که مشتمل بر یک جهان‌بینی فلسفی است، انسان در رابطه‌اش با سایر موجودات و کل مجموعه اکوسیستم‌های روی زمین تعریف می‌شود و درمی‌یابد که او نیز مانند تمام موجودات زنده دیگر ساکن این کره، موجودیتش در گرو سلامت و تمامیت سیستم زیست‌شناختی طبیعی است (بنسون، ۲۶۰، ۱۳۸۲).

این دین با دانش کامل هنجار هستی، جهان را به‌سوی خداوند پیش می‌برد و ارزشی که در گاتها برای جهان زنده دیده می‌شود را آنچنان در اندیشه پیروانش نهادینه می‌کند که پاسداشت طبیعت به نیایش‌های مردم نیز راه پیدا می‌کند. به نوعی که بعدها داریوش در کتیبه‌های هخامنشی به‌عنوان بزرگترین نیایش از اهورامزدا درخواست می‌کند که این کشور را از دشمن، دروغ و خشکسالی حفظ کند که این نشان‌دهنده اهمیت زیست‌بوم کشاورزی در عهد ایران باستان بوده است.

۶. پدیدار زیست‌محیطی در سیاست‌های شاهی

در اغلب حکومت‌های ایران باستان، پاسداری و نگهداری از طبیعت، آب، گیاهان، فلزات، خاک و آسمان اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته است. حتی سیاست و دینداری به‌طور بارزی با آداب نگهداری از طبیعت آمیخته شده و پاسداری از طبیعت، از سیاست‌های کلان





دولت‌های ایرانی بوده است. در بسیاری از آنها، پاسداری از طبیعت در کالبد دین انجام می‌شده است. از آن نمونه، انجمن مغان در حکومت ماد بود که به شدت بر اجرای قوانین زیست‌همگانی در کشور نظارت می‌کرد و همچنین در اوستا افرادی که نگاهبان طبیعت بودند مانند چوپان‌ها بسیار ستوده شده‌اند (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۹).

بر پایه اظهارات بیشتر باستان‌شناسان اروپایی، دولت هخامنشی از نظر آداب اجتماعی و شهرنشینی به یک کشور متمدن امروزی مانند بوده است. ساختار ذهنی دولت هخامنشی در زمانه‌ای که هنوز دین مزدائی به ایدئولوژی رسمی کشور تبدیل نشده است و در کنار دو مذهب مهرپرستی و آناهیتاگرایی به‌عنوان اندیشه مسلط دینی مردم و حاکمان مطرح بوده است، در سه طبقه ظهور پیدا کرده است. شهریاران، رزمیاران و کشاورزان که به واقع مخاطب خدایان سه‌گانه هستند، در ساختار دولت هخامنشی شکل داده شده‌اند.

جدول ۱. ساختار ذهنی حکمرانی هخامنشی

طبقات سه‌گانه	اقتدارات مینوی	نمادهای مفید	نمادهای زیانبخش
شهریاران (دینیاران)	اهورامزدا	راستی	دروغ
رزمیاران (نظامیان)	میثره	دوست	دشمن
کشاورزان (پیشه‌وران)	آناهیتا	آبادانی	خشکسالی

در آن دوران کشاورزی و باغداری بسیار پررونق بود. کاریز و قنات ایران زبانزد جهان بود. در ایران مانند همه دوران دیگر، آب مقدس و ارزشمند بود؛ از این‌رو، دومین خدای هخامنشیان، که آناهیتا آورنده آب و نماد زندگی و آبادانی است، بسیار مقدس دانسته می‌شد. در اندیشه سیاسی هخامنشیان آباد کردن، ساختن، اهل فن بودن و هنرمند بودن جایگاه والایی داشت و بر این اساس هخامنشیان محیط انسانی و طبیعی اطراف خود را به بهترین وجه ممکن آباد کردند. معماری، هنر، قصرسازی، ساخت قنات، راه و کاروان‌سرا از روش‌های اداره امور عمومی است که توسط آن‌ها به اجرا درآمده است.

گرامی داشتن درختان نیز در دولت هخامنشی بسیار نیک دانسته می‌شد. درخت چنار از نظر آئینی از درخت‌های دیگر بسیار ارزشمند بود و در کاخ خشایارشا درخت چناری

زرین و نمادین وجود داشت. درخت سرو و گاهی کاج نیز در پیوند با آئین میترا و خورشید است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۲۶). در زمان هخامنشیان علاقه به کشت درختان جنگلی به وجود آمد که از نظر تولید چوب اهمیت داشت و این سرآغاز جنگل‌کاری در ایران محسوب می‌شود. کوروش بزرگ نیز شخصاً به کشت درختان همت می‌گماشت.

همچنین نقل است که علاقه خشایارشا به درختان میوه چنان بوده است که هنگام عبور از آسیای صغیر، زمانی که از مقابل یک درخت سرو برومند عبور می‌کرده است، فرمان می‌داده است که یکی از سربازان جاویدان به پاسبانی آن گمارده شود و زنجیری از زر به آن درخت می‌آویختند. شاید آئین زیور بستن به درختان کهنسال که امروزه در بعضی نقاط ایران متداول است از این اقدام ستوده خشایارشا به منظور حمایت از درختان جنگل سرچشمه گرفته باشد.

البته باید یادآور شد که در مورد منابع طبیعی به خصوص مراتع و جنگل‌ها، هیچ‌گونه ضوابط و قوانین مدونی در آن زمان وجود نداشت و اصولاً جنگل جز یک منبع سوخت و مصارف متعارف چوب و محل شکار اهمیتی نداشته است. اما مرتع به‌عنوان چراگاه دام‌ها مورد استفاده زیادی بوده و هر قوم و طایفه‌ای مراتع خاص خود را داشته‌اند. شاید اولین قوانینی که در مورد استفاده از اراضی وضع شد، مربوط به قوانین حمورابی باشد که حدود ۲۱۲۰ تا ۲۰۸۰ سال پیش از میلاد مسیح حکومت می‌کرده است (جوانشیر، ۱۳۷۸، ۱۹). از آنجایی که اکثریت مردم ایران در آن زمان کشاورز بودند و چون آب را مقدس می‌دانستند، سعی داشتند که این آب مقدس به هدر نرود و حداکثر استفاده از آن شود و بهترین روش برای استفاده از آب همین کشاورزی بود که سعی می‌کردند با حفر قنوات و کانال‌های آب، کهریز و استخر و سدبندی آب را از جایی به جایی برای کشت و زراعت برسانند. به همین دلیل در زمان ساسانیان قوانین مالیاتی جدیدی برای کشاورزی به وجود آمد که چنانکه نوشته‌اند در زمان انوشیروان مالیات اراضی تغییر کرد (جوانشیر، ۱۳۷۸، ۳۱).

همچنین آبادانی مملکت به‌عنوان وظیفه پادشاه نام برده شده است. پادشاه، ظالم، یاغی و رهن مردم و سرزمین نیست بلکه آبادگر سرزمین‌های وسیع ایران است (جنیدی، ۱۳۸۹، ۱۶۱). داریوش ثبت کرده است:



«آنچه بدی به کار رفته بود، من به نیکوئی برگرداندم. کشورها آشوب می‌کردند و یکی، دیگری را می‌کشت. من به خواست اهورامزدا آنها را نیکو کردم تا دیگر همدیگر را نکشند. هر کس بر جای خویش است چون از قانون من می‌هراسند. در قانون من زورمند ناتوان را نمی‌زند و لگدمال نمی‌کند. بخواست اهورامزدا، بسی کارها که نابسامان شده بود، در جای خود قرار دادم. باروی شهری بر اثر فرسودگی فرو ریخت، چون مرمت نشده بود. من باروی دیگر بنا کردم که از آن زمان به کار رود» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۲۱۲).

این آبادانی در همه سرزمین‌ها باید دیده شود طوری که در کتیبه مصر ثبت شده است. در مورد ایجاد کانال سوئز از زبان داریوش آمده است:

«من فرمان دادم این آبگذر را بکنند، از آب روانی به نام نیل که در مصر جاری است به سوی دریائی که از پارس می‌آید. این آبگذر کنده شد چنانچه من فرمان داده بودم و کشتی‌ها از میان آن از مصر به سوی پارس روان شدند، چنانچه من اراده کرده بودم» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۲۱۵).

در کتاب سوم دینکرد نیز هنگام برشمردن خویشکاری (وظیفه) شهریان یکی دیگر از بایسته‌های شهرریاری را پاییدن (حفاظت) آب، خاک، هوا و آتش (به سخن امروزی محیط زیست) می‌داند تا بدبختی و بن‌مایه‌های بیماری و ناخوشی مردم ریشه‌کن شود (غیبی، ۱۳۸۲، ۲۰۹). شهریان ایرانی نیز آبادکردن زمین، تقویت خاک، غرس درختان و استخراج آب‌های زیرزمینی و مهارکردن آب‌های سطح‌الارضی با احداث بند و سد و شبکه آبیاری را مورد تشویق قرار می‌دادند و مبالغ‌ه‌نگفتی برای انجام این امور هزینه می‌کردند. یکی از شگفت‌انگیزترین کارهای دسته جمعی بشر، قنات است که برای رفع نیازهای مهم و حیاتی جوامع انسانی یعنی آب‌رسانی به مناطق کم‌آب و تأمین آب شرب انسان، حیوان و زمین‌های زراعی آنها بوده است. تاریخ قنات در ایران به دوره باستان و ماقبل کتابت و عصر آهن برمی‌گردد. تمدن پنج‌هزارساله شهر سوخته و تمدن هگمتانه گواه وجود قنات‌های متعدد در دوره ماقبل هخامنشی است. بنابر اوستا و مطابق شاهنامه فردوسی، هوشنگ مخترع قنات بوده است. در دوره ساسانی اقتصاد متکی بر دامداری و کشاورزی بوده است و پادشاهان نیز از طرفداران کشاورزی و اسکان شیوه‌های جدید نظام‌های آبیاری بوده‌اند و در توزیع آب در میان مردم می‌کوشیدند. بنابراین، هر جا احساس می‌شد شروع به احداث قنات و کاریز برای انتقال آب از یک مکان به مکان دیگر بودند.





ایرانیان در ادوار کهن پیش از تاریخ، به مدد اندیشه، از آب‌های زیرزمینی با ابداع کاریز یا قنات بهره‌برداری کرده‌اند. براساس برخی مستندات برجای مانده از عصر ساسانیان، ایرانیان در عصر سلسله اساطیری پیشدادیان موفق به کشف شیوه استخراج آب‌های زیرزمینی با حفر کاریز یا قنات شده‌اند (ابریشمی، ۱۳۹۴). قنات مظهر کنش جمعی بوده و یکی از ویژگی‌های تمدن کاریزی صلح‌جویی و رسیدن به اهداف از راه گفت‌وگو و مذاکره است. دلیل صلح‌جویی تمدن کاریزی این است که اقتصاد و عوامل تولید آن مبتنی بر خرده‌مالکی، تجارت و صنایع دستی است و در جامعه‌ای که اقتصاد و عوامل تولید آن بر این اصول شکل گرفته باشد، روحیه مسالمت‌جویی، گفت‌وگو و مسامحه و فرار از جنگ شکل می‌گیرد. در یک نگاه کلی قنات فناوری خاصی بوده که در روزگاران کهن شهرنشینی و مدنیت را در بخش وسیعی از کره زمین به ارمغان آورده است و اگر ابداع قنات نبود در محدوده وسیعی از مناطق خشک و نیمه‌خشک کره زمین، به‌ویژه در آسیا و شمال آفریقا، اسکان انسان عملاً میسر نبود و در کشور ما نیز شهرهای امروزی مانند گناباد، یزد، کرمان، سبزوار، ماشان، سمنان، دامغان، نیشابور و ... توسعه پیدا نمی‌کردند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۹). بدون تردید فن قنات‌سازی در ایران ابداع شده است و در این منطقه تکامل و توسعه یافته است که بر اثر آن تمدن ایران را برخی تمدن کاریزی یا هیدروکیلی نام نهاده‌اند (بهنیا، ۱۳۶۷).

ارگ بم از نمونه شهرهایی است، که مردم وابستگی شدیدی به کشاورزی داشته‌اند. در واقع با نگاهی اجمالی به ارگ می‌توان مشاهده کرد که در اطراف این ارگ کشاورزی رونق زیادی داشته و بیشتر زمین‌های اطراف قلعه از زمین‌های بایر به زمین‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند. این رونق هم مرهون سیاست‌های شاهان است که به کشت و زرع اهمیت بسیار می‌داده‌اند.

همچنین ارتباطی بین جشن‌هایی که توسط پادشاهان در سرزمین‌های ایرانی برپا می‌شده است و محیط زیست برقرار بوده است. در زمان‌های گذشته که قائل به وجود گونه‌ای پیوند آسمانی و ایزدی میان آب از یک سو و خرد و عقل از سوی دیگر بوده‌اند، جشن تیرگان یکی از بزرگترین جشن‌های مذهبی ایرانیان است و جشنی برای ایزد باران بوده است. جشن نوروز که جشن سال نوی ایرانی نیز است با بهار طبیعت و زنده‌شدن درختان

برگزار می‌شده است و تقدسی که برای زمین و درخت و عناصر زیستی قائل بودند در جشن‌های باستانی ایران نیز نمود پیدا می‌کند.

جدول ۳. پدیدار محیط زیست در اندیشه و کنش سیاسی ایران باستان

منابع ایران باستان	پدیدار محیط زیست
اساطیر ایران باستان	آناهیتا، آذر، مهر، آبان، پراکندگی امشاسپندان در همدلی و همراهی با محیط زیست
دین زرتشت	توجه به یکجانشینی، ستایش آب و خاک، آلوده نکردن محیط زیست، هم‌نوا با محیط زیست
حکومت‌داری شاهان	سیاست‌گذاری‌های منطبق با محیط زیست، نوروز، مهرگان، شهرسازی، قلعه، قنات

۷. نتیجه‌گیری

دیدگاه زیست‌محور به طبیعت زمانی ایجاد می‌شود که فرد عضویت خود را در جامعه حیات زمین به‌عنوان فصل مشترکی بداند که او نیز مانند تمام موجودات زنده دیگر ساکن این کره، موجودیتش در گرو سلامت و تمامیت سیستم زیست‌شناختی طبیعی باشد. وقتی انسان این عرصه حیات را در تمامیت خود دید، آن را به‌عنوان یک شبکه درهم‌تنیده و یکپارچه از عناصر متکی به هم در نظر خواهد گرفت.

ایرانیان به‌عنوان ساکنان فلاتی بزرگ، که قسمت‌های وسیعی از شرق تا غرب زمین را در بر می‌گرفته است، چارچوب‌های مفهومی داشته‌اند که کاملاً با دیدگاه زیست‌محور همخوانی داشته است. احترام به طبیعت و عناصر چهارگانه از زمان اسطوره‌ها در بین ایرانیان رواج داشته است. به نظر می‌رسد کشاورزی و تمدن در فلات ایران شروع شده است و ایران یکی از نخستین کشورهای است که در آن انسان اولیه برای زراعت و پرورش دام احترام قائل بوده است. حتی سیاست و دینداری در ایران باستان نیز به‌طور بارزی با آداب نگهداری از طبیعت آمیخته بوده است.

ایرانیان قدیم به آب و منابع آن چون دریا، تالاب، برکه، چاه و چشمه و نیز کیفیت و ترکیب آن توجه داشته و خواص و خصوصیات انواع آب را به تجربه دریافته بودند. بخش عظیمی از ایران، به مفهوم جغرافیایی پهناور آن در اقلیم خشک و بیابانی قرار داشته و شرایط



آب و هوایی سخت، اولاً ایرانیان را مقاوم، پرتلاش و کارآزموده بار آورده است و ثانیاً تجارب و دانستی‌های بسیار ارزنده و مفیدی در باب شناخت عناصر اربعه یعنی آب، خاک، هوا و آتش کسب کنند و ثالثاً تجارب و آزموده‌ها و فنون خود را در اختیار اقوام و ملل تابعه قرار داده و از دانش‌ها و اطلاعات دانشمندان دیگر ملت‌ها در تکمیل علوم و فنون و تجارب خود در باب عناصر اربعه به‌ویژه آب بهره گیرند.

همزیستی با طبیعت در میان ایرانیان پس از پذیرش آئین زرتشت نیز بسیار رواج داشته است. در اوستا پاسداری و نگهداری از جانوران، به‌ویژه آنان که در پیوند با دامداری و کشاورزی هستند، بسیار مهم نشان داده شده است. امشاسپند خرداد نشان آب است و پرستار و پاسدار آب‌های زمین و آسمان است. امرداد به معنی بی‌مرگی است و این امشاسپند پرستار گیاهان و درختان است و بقیه ماه‌های سال که به نوعی بر حفاظت از عناصر چهارگانه و حفظ محیط زیست تأکید داشتند و پیوند آسمانی و ایزدی میان آب از یک سو و خرد یا عقل از سوی دیگر در ایران کهن مورد قبول بوده است. به باور ایرانیان، خیر و برکت و نیز پادشاهی‌های دنیا و آخرت در زراعت است و جایگاه نمایانی در بهشت از آن برزیگران و باغبانان و آنهایی است که تخم نیکی می‌کارند و این نشان‌دهنده اهمیت محیط زیست در اندیشه ایرانیان باستان است. این متون نشانگر آن است که ایرانیان باستان تنها برای بشر حقوق در نظر نمی‌گرفتند، بلکه بنا بر اندیشه ژرف خویش برای هر یک از پدیده‌های جهان حقوق در نظر می‌گرفتند (جنیدی، ۲۳، ۱۳۷۸).

در سیاست‌های شاهان نیز احترام به طبیعت جایگاه ویژه‌ای داشته است. احترام به طبیعت و استفاده از مصالح مربوط به هر منطقه برای احداث برج، تأکید بر کشاورزی و کشت و زرع برای مردم و فراهم آوردن امکان آن، برگزاری جشن‌هایی بر پایه طبیعت و همزمان با تغییرات طبیعی در زمین از جمله مواردی است که از سوی شاهان در ایران باستان به‌کار برده می‌شد که نشان‌دهنده تقدس طبیعت و لزوم احترام به آن بوده است.

تاریخ نشان می‌دهد هر زمان که سیاستمداران جنبه حفظ محیط زیست را داشته‌اند و از هرگونه دخل و تصرف بی‌مورد در آن خودداری کرده‌اند، زمانه‌ای شکوفاتر و سلطنتی پویاتر و بادوام‌تر داشته‌اند. فرامین و سلوک شاهانه در ایران باستان، با احترام به طبیعت و تأکید بر



دیدگاه زیست‌محور، انسان را جزئی از طبیعت دانسته و همسو و هم‌دل با طبیعت سعی در بهره‌برداری از آن داشته است.

آشناسدن مردم ایران با فرهنگ باستانی خود، که روزگاری به‌عنوان یکی از اولین تمدن‌های جهان، منشور حقوق شهروندی و دیدگاهی زیست‌محور به طبیعت داشته‌اند، در رفتارهای امروز آنها نیز بی‌تاثیر نخواهد بود و آگاهی از آن برای اقشار مختلف و به‌خصوص جوانان می‌تواند در نگرش فعلی آنها به محیط زیست و منابع طبیعی کشور بسیار موثر واقع شود. حرمت محیط زیست از ابعاد مذهبی و یا در قالب تفکر و اندیشه سیاسی پادشاهان می‌تواند نمودی از توجه خاص ایرانیان در گذشته به محیط پیرامونی خود و احیا و آبادانی فضای زیستی باشد. بدون تردید این مهم اگر در ارتباط با اسطوره‌ها، آئین‌ها و مذاهب و حکمرانی پادشاهان شکل گرفته باشد می‌تواند همیشه به شکلی پایدار مطرح باشد و مرکز ثقلی برای توجه دادن به آیندگان قرار گیرد.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۴

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیم‌نیا، رضا (۱۳۸۳). اهمیت محیط زیست در ایران باستان. فصلنامه تاریخ پژوهی، ۶(۲۰)، ۱۲۲-۱۱۳.
- احمدوند، شجاع؛ و اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۶). اندیشه سیاسی در ایران باستان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۴). سیاست به مثابه تکنیک؛ مبانی روشی علم سیاست. تهران: انتشارات خرسندی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۵). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۸). مقالات احمد تفضلی. تهران: توس.
- بنسون، جان (۱۳۸۲). اخلاق محیط زیست (مترجم: عبدالحسین وهاب زاده). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۱)
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ و اساطیر ایران باستان. تهران: نشر علم.
- بهنیا، عبدالکریم (۱۳۶۷). قنات‌سازی و قنات‌داری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۹). قنات قصبه گناباد؛ یک اسطوره. مشهد: انتشارات پاپلی.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها (جلد اول و دوم). تهران: اساطیر.
- پولادی، کمال (۱۳۹۷). در سودای نظام داد؛ جهان‌شناسی ایرانی و اندیشه سیاسی. تهران: نشر مرکز.
- تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲). جهان‌بینی و حفاظت محیط زیست. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۴(۱۶)، ۱۰۳-۱۲۷. doi:10.22047/ijee.2003.2093
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۷۷). شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران. تهران: خوارزمی.
- جمادی، سیاوش (۱۳۸۵). زمینه و زمانه پدیدارشناسی. تهران: ققنوس.
- جنیدی، فریدون (۱۳۷۸). حقوق بشر در جهان امروز و حقوق بشر در ایران باستان. تهران: نشر بلخ.
- جوانشیر، کریم (۱۳۷۸). تاریخ علوم منابع طبیعی ایران. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- رجانی، فرهنگ (۱۳۷۵). تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان. تهران: قومس.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸). اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی. تهران: امیرکبیر.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۸۸). هوسرل در متن آثارش. تهران: نی.





- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی. تهران: طرح نو.
- طباطبائی، جواد (۱۳۸۶). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.
- عابدی سروستانی، احمد (۱۳۹۷). اخلاق محیط زیست و نقش آن در صیانت از طبیعت. نشریه طبیعت ایران، ۳(۲)، ۹-۶. doi: 10.22092/irn.2018.116429
- غیبی، مهراں (۱۳۸۲). مبانی فلسفی حفاظت از محیط زیست در ایران باستان. نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ایران.
- کربن، هانری (۱۳۹۱). اسلام ایرانی (مترجم: انشالله رحمتی). تهران: سوفیا. (تاریخ اصل اثر ۱۹۷۱)
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان. تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۷). بحران محیط‌زیست، اخلاقی است. خبرنامه فرهنگستان علوم، ۱۸(۶۷)، ۵۲-۵۱.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۸۷). کتیبه‌های هخامنشی. تهران: نوید.
- ویدن‌گرن، گنو (۱۳۷۷). دین‌های ایران باستان (مترجم: منوچهر فرهنگ). تهران: آگاهان دیده. (تاریخ اصل اثر ۱۹۶۹)
- هوسرل، ادموند (۱۳۸۱). تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیده‌شناسی (مترجم: عبدالکریم رشیدیان). تهران: نی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۹۱)
- هینلز، جان (۱۳۸۴). شناخت اساطیر ایرانی (مترجم: ژاله آموزگار و احمد تقضلی). تهران: نشر چشمه. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۵)
- Eliadeh, M. (1987). *The sacred and profane: the nature of religion*. New York: Harcourt Brace Javanviah.
- Hole, F., Flannery, k., & Neely, J. (1965). Early agriculture and animal husbandry in Deh Luran, Iran. *Current Anthropology*, 6(1), 105-106. doi: 10.1086/200561
- Kuros, G., & Labbaf Khaneiki, M. (2007). Water and Irrigation Techniques in Ancient Iran. Iran: *Iranian National Committee on Irrigation and Drainage (IRNCID)*.
- Malandra, W. (1983). *An introduction to Ancient Iranian religion*. USA: University of Minnesota Press.